



۲۰۱۳/۰۷/۱۹

فرید افغانیار

این هم نظر من، دیگران چه میگویند؟

همیشه آرزو دارم منحیث یک قلم بدست دارای رسالت، مقالاتی بنویسم که بتواند در مداوای دردی از درد های بیشمار ملت و کشوری که به آن تعلق دارم، سودمند واقع گردد. هدفم از ابراز این نکته اینست که ژورنالیستان ملی و متعهد، بجای گل آلود ساختن آب، مغشوش ساختن ذهنیت ها، ایجاد تعصبات از هرگونه که باشد و آب به آسیاب دشمن ریختاندن، بایستی در فکر روشننگری اذهان مردم، افشای خیانت های قدرتمندان، برملاسازی نقایص، انتقادات بجا و سازنده و ارائه پیشنهادات و راه حل های مناسب گردند. تا هرگاه یکی از رهروان راه غلط سهواً یا قصداً آنرا بخوانند، بتوانند راهکشی مشکل خویش قرار دهند. زیرا در این شکی نیست که ژورنالیستان و قلم بدستان اند که نارسایی ها، کمبودها و نقایص کارها را زودتر و بهتر از دیگران متوجه میشوند.

اما اینبار، خواندن مقاله یکی از دانشمندان و قلم بدستان خیلی مجرب و مطرح ما که صد البته نوشته ها و تحلیل های شان تراوش طرز تفکر شخصی خودشان میباشد، مرا به نوشتن این مقاله وادار ساخت. که امیدوارم شخصی و عقده مندانه تلقی نشده و مجال نشر و خواندن را بیابد زیرا اگر بنابر ملحوظاتی، صد فیصد مورد تائید و پذیرش قرار نگیرد، امکان دارد بخشی از آن مورد قبول عده زیادی از هموطنان عزیزم قرار گیرد. این نویسنده و دانشمند بلند مرتبه که اکثر نویسندگان کشور ما تا کنون از نیش قلم شان در امان نمانده اند، وبه نحوی از انحا مورد تنقید قلمی یا زبانی ایشان قرار گرفته اند، مدیر مسؤول مجله آئینه افغانستان آقای داکتر سید خلیل الله هاشمیان هستند که البته با بزرگواری شان این مقاله را به دقت میخوانند و هرگاه جواب دندان شکنی در رد این نوشته ام مینگارند، خواهش از نزد شان اینست که همین مقاله را دوباره مرور نمایند زیرا جواب من، در جواب ... شان باز هم همین نوشته خواهد بود.

آقای هاشمیان در مقاله ای تحت عنوان « کمیساریت ملی برای یافتن راه نجات افغانستان از بحران فعلی » که بتاريخ ۱۵ جولای ۲۰۱۳ در پورتال ملی افغان جرمن آنلاين به نشر رسیده، نکات نظر خود را بسیار عالمانه و راه حل سودمندی برای بحران کنونی کشور ما قلمداد نموده اند، ولی در این مقاله و طرح ایشان نکاتی چند توجه ام را جلب نمود که وادارم ساخت این مقاله را نوشته و توجه داکتر صاحب هاشمیان را به آن جلب نمایم. شاید دیگران نیز در مواردی که بر میشمرم با من هم رأی و هم عقیده باشند، شاید خود داکتر صاحب هم با من هم نظر باشند و یا هم امکان دارد مثلیکه در گذشته، دیگران انتقادگر را با ارائه جواب متقابل شدیدالحن، به نه قاضی کور آشنا کرده اند، مراعات مرا هم نکنند. زیرا فکر میکنم بالای سخن شان فی گرفتن و انتقاد، چندان با مزاج شان سازگاری ندارد. ولی به هرحال بهتر است که برای توضیح بهتر مطلب مقاله شانرا سطر به سطر تعقیب کنیم:

مقاله با مقدمه تیت و پراگنده آغاز و در سطر پنجم، آقای هاشمیان نوشته اند « درس تأریخ ». از دانشمندی به سویه ایشان (داکتر زبان) این چنین اشتباه املایی را هیچیک از خوانندگان انتظار نمیبینند، زیرا همه میدانند که در طول تاریخ، تاریخ بدون الف حمزه دار نوشته شده اینطور: تاریخ. و در آخرین پاراگراف مقاله، این اشتباه بار دیگر تکرار گردیده است. که به نظر بنده تکرار اشتباه را میتوان غلطی نامید.

مینویسند که «من با جناب مایار صاحب موافقم که آقای کرزی به مقایسه بسیاری از رهبرهای گذشته افغانستان مزیت داشته و در یک مورد بخاطری چربی میکند که این شخص به چهار زبان زنده دنیا (دری، پشتو، انگلیسی و اردو) مسلط و تقریرگر میباشد...» اگر جناب مایار صاحب هم مانند داکتر صاحب هاشمیان به این عقیده هستند که دری،

پشتو و بخصوص اردو! از جمله زبانهای زنده دنیا است، نمیدانم چند زبان شناس و داکتر زبان دیگر در جهان این ادعا را قبول خواهند کرد و بالای ریش این چنین مدعیان نخواهند خندید (البته با حفظ حرمت زبان دری و پشتو و قدامت تاریخی این دو زبان که هر دو آن زبان ملی ما بوده و برای من مانند دو چشم گرامی و عزیز اند. اما حقیقت اینست که اینها زبانهای زنده دنیا محسوب نشده اند) و اینکه میگویند آقای کرزی چربی میکند، شاید به علت تسلط بیش از حد موصوف در زبان اردو باشد!

در حالیکه اظهر من الشمس است که دوره زمامداری آقای کرزی در طول پنجاه سال اخیر، یکی از پرفسادترین دوره ها در تاریخ کشور ما بوده، و در هیچ رژیم قبلی خودسری، فساد اداری، بی باخواستی، چور و چپاول و اختلاس، و، و تا این حد نبوده، البته دست آوردهایی هم داشته اما به مقایسه حجم کمک هایی که از جانب جامعه جهانی صورت گرفته، متأسفانه پس از دوازده سال، و سرازیر شدن میلیارد ها دالر، افغانستان هنوز هم نه از ثبات اقتصادی برخوردار است و نه از ثبات سیاسی و نه امنیتی و نه ... بناءً نمیدانم فضیلت و مزیت آقای کرزی نسبت به زما و رهبران گذشته در چه و در کجاست؟ آرزو مندم به این متهم نگردم که قصد برائت دادن کدام رژیم قبلی را دارم.

این توهین نابخشودنی را بخوانید «در حالیکه زعمای گذشته ما فضیلت کمتر داشته اند و مانند آقای کرزی بر زبان «بسگانه!» مسلط نبوده اند» اول خو مقصد ایشان از بسگانه چه است؟ از لحاظ شکل بسیار به بچگانه شباهت دارد اما از فحوای جمله، خواننده میداند که منظور بیگانه است. بهر صورت باید خدمت هاشمیان صاحب عرض شود که اولاً دانستن لسانهای بیشمار هرگز ملاک صداقت و وطنپرستی یک شخص و یک زعمی شده نمیتواند و دوم اگر این ادعا درست باشد پس یک پروفیسور زبان شناسی مانند خود آقای هاشمیان باید مادام العمر رئیس جمهور یا اقلاد صدر اعظم یک مملکت خو باشد که باشد. دو دیگر ایشان در حق آقای کرزی این خوش خدمتی را شاید بخاطری روا داشته اند که موصوف سر زنده و بر حال است و ممکن روزی اجری از این شیرین کلامی خود را دریافت بدارند. اما فراموش نکنند که در عین زمان در حق بسیاری از زما و بزرگمردان دولتی سابقه کشور اهانت بزرگ کرده اند. به مثالهای زیر که بخاطر کبر سن نسبت به اینجانب، بیشتر در حافظه شان باقیست توجه تانرا خواهانم:

اعلیحضرت مرحوم محمدظاهر شاه در لسانهای دری، پشتو و فرانسوی تسلط کامل داشتند

سردار محمد داوود به لسانهای فرانسوی و انگلیسی

داکتر یوسف صدراعظم به لسانهای انگلیسی، آلمانی، و فرانسوی

داکتر ظاهر صدراعظم به لسان انگلیسی

محمد هاشم میوندوال صدراعظم به زبان انگلیسی، عربی و اردو و شاید یکی دو لسان دیگر

استاد عبدالرحمن پژواک به لسان انگلیسی و آلمانی

و بسیار بودند شخصیت های علمی و سیاسی در کشور ما که هر کدام به لسان های زنده دنیا تسلط کامل داشتند و در سطح کشور ما نه، بلکه در سطح جهانی شخصیت های دانشمندی بشمار میرفتند. بطور مثال محمد هاشم میوندوال مرحوم که در سازمان ملل متحد، در مورد بحران شرقمیانة چندین ساعت سخنرانی نموده بودند و مرحوم استاد پژواک باری به مقام ریاست مجمع عمومی سازمان ملل متحد انتخاب گردیدند.

اینکه نوشته اند «جنگسالارانی از قبیل دوستم کلم جمع، پهلوان معلم عطا ایران پناه، محقق، خلیلی و پهلوان قسیم خودها را به زیر او «غلی» گرفته اند، همانا مشکل «بیزبانی» آنها میباشد یعنی با مردم خود قیل و قال میتوانند اما در مقابل دنیا دهن بسته قرار میگیرند.» این تحلیل هم درست نبوده بلکه یکنوع چشم پوشی و حمایت غیر مستقیم از

د پایو شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

سازش های نهانی این جنگسالاران با کشور های خارجی که تا اکنون به نفع شخصی خودشان و به ضرر کشور صورت گرفته، میباشد. نباید مسایل را اینقدر ساده تصور کرد که این طفلکان زبان نافهم، معصومانه و صادقانه به وظایف سپرده شده مصروف اند و اینکه چون زبان خارجی بلد نیستند، با خارجی ها کاری ندارند و با براه انداختن قیل و قال بالای مردم خود، کوفت دل شانرا می کشند. نه بابا، امروز موجودیت هزاران ترجمان در لسانهای مختلف در سرتاسر افغانستان، مشکل زبان نفهمی چوکیداران را کاملاً مرفوع ساخته اند چنانچه از این ناحیه اصلاً نزد هیچ کسی در کشور ما مشکلی وجود ندارد و معاملات خورد و بردها با هر کشور خارجی بدون مشکل زبان حتی با ایما و اشاره هم صورت گرفته است.

چند سطر پائینتر در مورد برادران کرزی مینویسد: «اکنون نه تنها در جمله ده نفر میلیارد های درجه اول افغان مقام خوجه اینی دارند...» تا جاییکه من دیده و خوانده ام، در ادبیات دری زمانیکه تعداد، قبل از اسم ذکر میگردد، از استعمال پسوند جمع صرفنظر میشود. پس جمله فوق را باید اینطور مینوشتنند: «...در جمله ده نفر میلیارد درجه اول افغان...» با حذف «ها». باز هم داکتر صاحب اختیار دارند چون متخصص زبان استند

در پاراگراف بعدی نوشته اند «ورطه حولناک». هدف شان این خواهد بود که اگر ورطه خیلی هولناک باشد به ح حلوا نوشته میشود. و یا امکان دارد به استعمال بجا و بیجای حرف ح نسبت علاقه مفرطی که به طلاب کرام! دارند، یک اندازه بیشتر خوشبین خواهند بود.

موضوع اساسی این مقاله داکتر هاشمیان تاسیس یک نهاد بنام «کمیساریت ملی» است که آرزو دارند جانشین شورای عالی «شیرپیره خور و تنخواه خور» صلح گردد.

این نهاد که در آن تقریباً یکصد نفر عضویت خواهند داشت، باوجود احترام زیاد داکتر صاحب هاشمیان به خانم ها، در اولین نگاه کاملاً مردانه جلوه میکند. چنانچه در اول لست، نامهای دو شاهدخت افغان که درحال حاضر اولاً در مسایل سیاسی کشور آنقدر دخیل و علاقمند نیستند و دوم نامهای شان برای یک اکثریت مردم کشور تقریباً ناآشنا جلوه میکند، ذکر گردیده که اصلاً فهمیده نمیشود اینکار برای رعایت تشریفات صورت گرفته و یا واقعاً این دو شاهدخت معزز که نور چشمان و اولاده همین سر زمین هستند، آرزو دارند در امور سیاسی کشور عملاً سهیم گردند.

ولی برای قشر اساسی و سازنده جامعه یعنی خانمها که نصف نفوس کشور را تشکیل میدهند، بسیار سخاوتمندانه «چهار فیصد» سهمیه قابل شده اند. آیا این طرز دید آقای هاشمیان، زن ستیزانه نیست؟ اگر دلیل بیاورند که نیست زیرا به هر ارگان آزادی انتخاب نماینده های شان داده شده و میتوانند از بین خانمها نماینده شانرا انتخاب نمایند، این دلیل درست نیست زیرا ایشان که با داشتن سویه به سطح دوکتورا، که نصف عمر شان در خارج، در کارهای روشنگری و روشنفکری سپری شده، و به صفت طراح و میتکر این نهاد، چهار زن را حق اشتراک داده اند، مگر از دیگران که در داخل کشور اند، توقع بهتر از این را دارند؟ آیا از جار و جنجال و رسوائی هایی که در مورد تصویب قانون منع خشونت علیه زنان در پارلمان و سایر نهادهای بنیادگرا و عقبگرای کشور به راه افتیده، هیچ آگاهی ندارند؟ و یا شاید با آنها موافق هستند؟ اما خداکند طرز تفکر شان طوری نباشد که در شریعت ما نکاح چهار زن برای یک مرد رواست، بناءً برای این کمیساریت ملی! نمایندگی چهار خانم هم جنبه شرعی دارد هم بسنده است. بنظر من زنان چه که حتی مردان روشنفکر با این طرح ناقص دلچسپی نشان نمیدهند. اگر شما خارج دیده ها به زنهاي مظلوم، تحت شکنجه و تحت ستم، حق تلف شده، محروم و بی بازخواستگر کشور، این قدر حق و حقوق قابل هستید، از این ریش و پتگی و پکول که تنها نصف زن را میبینند، جای هیچ شکوه و شکایتی باقی نمی ماند.

در مورد کاندیدها تأکید بر این شده که براساس **انتخاب آزاد** تجار، میدیا، جامعه زنان و ... صورت گیرد. حالا که به این اندازه از انتخاب آزاد حرف زده میشود، هرگاه چندین نهاد اشخاصی را بصفت نماینده های شان انتخاب نمایند که جنگسالار، تفنگ سالار و عضو حزب کمونست سابق باشد، چه اقدامی در مورد این نماینده های انتخابی میکنند؟ زیرا

د پانو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

در مورد شرط انتخاب، تأکید صورت گرفته که باید از جمله اشخاص فوق نباشد و اگر باشد، از جانب کمیساریت «رد و برطرف» میشوند. معنی این مقوله را که نمایندگان هم در فضای آزاد انتخاب شوند، و هم «باید» در مورد آنها ذکر شود، قابل فهم و منطقی نیست.

پس از ختم بحث بر مسأله اصلی، داکتر هاشمیان بسوی نتیجه گیری اش میروند و این قسمت را با سخنان از هر چمن سمنی آغاز میکنند، یکبار از بسته شدن دفتر قطر (لانه فساد) اظهار تأسف میکند و در جمله دوم بر بات و پتاق ستر جنرال، وزیر داخله جوان بچه میتازد و بعد از برادران طالب خود منحنیث «برادران مبارز و مجاهد خود میطلبند تا منافع علیای افغانستان را در نظر گرفته دروازه های گنت و گو را با هموطنان خود با همین حکومت فاسد کابل دوباره باز کنند» ناگفته پیداست که همین اکنون طالبان بی فرهنگ با اعمال ددمنشانه شان هر روز گند و گو! را بر سر و روی ملت افغان پاشیده روان استند. وقتی از طالبان سخن میزنیم، بدون شک از یک سازمان بنیاد گرای تروریستی که بوسیله پاکستانی ها ایجاد، تربیه، تمویل و اعزام میگردند، حرف میزنیم. یک سازمان آدمخواری که جزئی از آی اس آی پاکستان است. چنانچه بارها ثابت شده که طالبان از قدرت تصمیم گیری مستقلانه برخوردار نیستند. جنرال پرویز مشرف میگفت که: «طالبان ذخیره ستراتژیک من هستند، هر زمانیکه بخواهم صدها و هزاران جنگجو را میتوانم بسوی هند سوق دهم. آنها در افغانستان هم تخریبکاری های بیشماری نموده اند، آنها در کشور خود چنان هرج و مرج را به بار آورده اند که در زمان حاکمیت شوروی هم نظیر نداشت.» بناءً طالبان در دست پاکستان بهترین آله و وسیله ایست که بدون سهمگیری مستقیم، دو دشمن دیرینه اش در یکطرف هندوستان و طرف دیگر افغانستان را بوسیله آنها ضربه زده میتواند. چنانچه پاکستان به هیچ قیمتی حاضر نیست، کشمیر را به هندوستان و مناطق آنسوی خط دیورند را به افغانستان واگذار شود. شاهد این مدعا اظهار تشویش یک سناتور پاکستانی است موصوف که در عین زمان عضو کمیسیون ارتباط خارجی هم میباشد، در همین اواخر گفته است: اگر طالبان در پروسه صلح شامل گردند و در افغانستان یک حکومت مشترک بمیان آید، مناطق قبایلی از پیکر پاکستان جدا خواهد گردید.

ولی آقای هاشمیان مانند آقای کرزی، این تروریستان حرفه یی و دشمنان انسانیت و تمدن را برادران مبارز و مجاهد خطاب مینماید و شاید هم در این آرزو به سر ببرد که روزی این گروه وحشی باز برسر قدرت بیایند و با تمیز دوستان از دشمنان، دوستان را که باری به بوسیدن چشم کور مبارک امیر مفقود الاثر نیز مفتخر بوده اند، از مرحمت و نوازش بی نصیب نمانند.

بهتر است در مورد دریافت راه برون رفت از بحران کنونی کشور راه و چاره جدی تر و مؤثر تری را جستجو نمود، به شکلی که حق را حق و باطل را باطل گفت. این کمیساریت ملی شکل یک کوچنی جرگه را دارد و درین وقت و زمان نمیتوان این چنین جرگه ها را با این گونه ترکیب اشتراک کنندگان حلال هزاران مشکلات موجود خواند. ولی این امکان وجود دارد که یک شورای چاکلیت خور و نقل خور در پهلوی شورای عالی «شیرپیره خور» صلح و سایر شوراها، اضافه گردد.

باز هم اینکه بزرگان و دانشمندان کشور ما، در اندیشه حل معضله کشور هستند، که داکتر صاحب هاشمیان هم در این ردیف جایگاه خود را دارند، قابل افتخار و ستایش اند. ومن الله التوفیق

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ